

تحلیل گفتمان مهدویت، در احادیث حسن بن محبوب

۱ علی راد
۲ سعید عزیزی

چکیده

رهیافت تاریخی «تحلیل گفتمان»، یکی از روش‌های جدید و کارآمد در مطالعه احادیث امامیه است. در این روش که بر پایه نظریه «آوای متعارض باختین» استوار است؛ از طریق بافت‌شناسی اعتقادی جامعه در زمانه پژوهاک احادیث و خوانش گفتمان رقیب، گفتمان نهفته در دل روایات واکاوی می‌گردد. در این پژوهش برآنیم تا بر پایه این الگوی روشی، احادیث حسن بن محبوب (۱۴۹-۲۲۴ق) در زمینه آموزه مهدویت را گفتمان‌شناسی تحلیلی کنیم. وی از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام بوده و یکی از اصحاب اجماع امامیه در عصر خویش به شمار آمده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که این محبوب احادیث مهدویت خود را در رویارویی با چهارگفتمان رقیبی بازتاب داده است که این گفتمان‌ها در صدد ترویج پنداره‌های ناصوابی درباره تبارشناسی موعود، تعیین مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الشریف، غیبت قائم و قیام منجی، در بافت فکری و اعتقادی جامعه آن دوران بودند.

واژگان کلیدی: حسن بن محبوب، احادیث مهدویت، گفتمان حدیثی، تحلیل گفتمان، احادیث

امامیه.

مقدمه

از آن جا که پژوهش‌های تاریخی به منظور تبیین هویت حدیث شیعه و اثبات پویایی و تطورات آن ضرورتی انکار ناپذیر است؛ ضروری می‌نماید به احادیث گزارش شده از اصحاب و یاران پیشوایان معصوم نگاهی تاریخی-تحلیلی صورت گیرد تا روند شکل‌گیری و بازتاب گفتمان‌های حدیثی آنان کشف و استخراج گردد. یکی از روش‌های جدید و کارآمد در این زمینه کاربرست رهیافت تاریخی - تحلیل گفتمان^۱، در مطالعات و پژوهش‌های حدیثی معاصر است. در این روش که بر «نظریه آوای متعارض باختین»^۲ استوار است؛ پژوهشگر، پس از شناسایی و استخراج کنش‌های زبانی پرتکرار و هدفمند در احادیث و بافت‌شناسی فضای علمی و فکری جامعه در زمان صدور و بازتاب آن‌ها؛ در صدد بازشناسی گفتمان‌های علمی رایج در آن دوران برآمده و تناظر احادیث با آوای متعارض و گفتمان رقیب را مورد بازخوانی و تحلیل قرار می‌دهد. روش تاریخی - تحلیل گفتمان در کنار شناخت بسترهای مختلف جامعه، عهده دار نمایاندن فرازها و فرودها، دست‌یابی به سیر تطور نوعی اندیشه و درک بهتر خاستگاه و دوران شکوفایی و تثبیت آن است. کاربرست روش تاریخی - تحلیل گفتمان در واکاوی احادیث راویان شیعی، دست‌یابی به نتایجی در زمینه صدور احادیث، بسترشناسی شکل‌گیری متون حدیثی، روان‌شناسی اعتقادی و جهان‌بینی محدثان و نقش آنان در بازتاب اندیشه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را موجب می‌شود.



۱. واژه «گفتمان» برگرفته از واژه فرانسوی «Discourse» و لاتین «Discursus» است و به معنای مکالمه یا گفت‌وگو است. مجموعه کنش‌های گفتاری فراوانی که در یک جامعه رخ می‌دهد؛ موجب شکل‌گیری دیالوگ‌ها و نهادینه شدن قالب‌های فکری خاصی گردیده که به آن گفتمان گفته می‌شود (رک: مک دائل، ۱۳۸۰: ص ۱۰؛ بشیر، ۱۳۸۵: ص ۹ و یورگنسن و...، ۱۳۹۲: ص ۱۷-۱۸).

۲. از دیدگاه باختین، هیچ سخنی را نمی‌توان یافت که از «آوا»ی دیگران خالی باشد. مقصود او از «آوا»، مفاهیمی هستند که از یک متن قابل دریافت‌اند. به بیان دیگر، وی بر این باور است که هر فرد جامعه زبانی، همواره با کاربرست مفاهیمی سخن می‌گوید که رقیبان و مخالفان اندیشه او نیز در شکل‌گیری آن مفاهیم نقش ایفا کرده‌اند (تودوروف، ۱۳۹۱: ص ۸۳).

ابوعلی حسن بن محبوب السراد کوفی (۱۴۹-۲۲۴ق)، از اصحاب اجماع و یکی از راویان برجسته و جلیل القدر شیعه است که در کتاب‌های رجالی بر وثاقت و جایگاه ویژه او تاکید شده است. او از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام (برقی، ۱۳۸۳: ص ۴۸ و ۵۳؛ امین، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۲۳۴ و تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۲۴۸) و یکی از ارکان چهارگانه علمی زمانه خویش معرفی شده است که از ۶۰ نفر از اصحاب امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کرد (طوسی، بی‌تا: ص ۱۲۲ و حلی، ۱۴۱۱: ص ۳۷). حسن بن محبوب، صاحب آثار مختلف حدیثی بود. رجالیان و حدیث‌دانان شیعی، یکی از تالیفات حدیثی وی را به نام «المشیخه»، حاوی گزاره‌های حدیثی مختلفی در زمینه مسئله مهدویت دانسته‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۲).

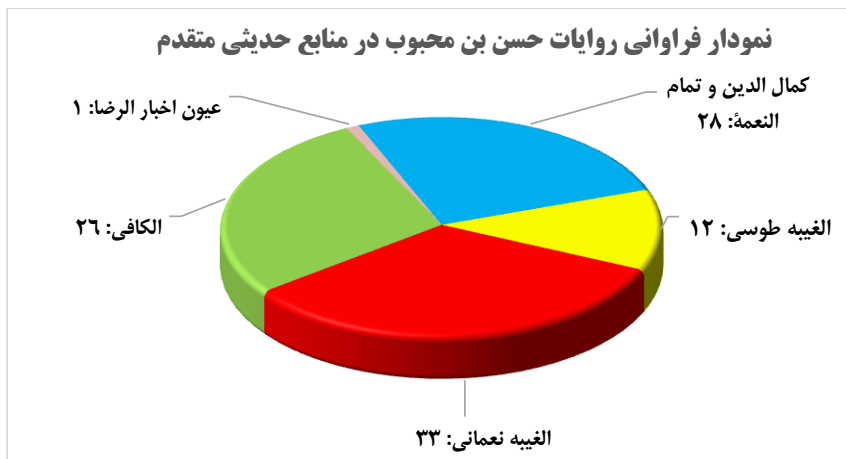
بر پایه برخی گزارش‌های تاریخی و روایات ماثور از سده‌های نخست، نشانه‌هایی قطعی از وجود چندین گفتمان معارض در عرصه آموزه مهدویت در بازه زمانی قرن دوم و سوم هجری وجود دارد. با توجه به حضور شخصیتی چون ابن محبوب در هنگام پیدایش یا اوج‌گیری چنین گفتمان‌هایی در آن دوران؛ در این نوشتار بر آنیم تا ضمن بررسی چگونگی کنش‌گری وی در دفاع از آموزه‌های ناب و اصیل مکتب اهل بیت در زمینه اندیشه مهدویت؛ نحوه رویارویی وی با گفتمان‌های انحرافی و برساخته در دوران حیاتش را واکاوی و تحلیل کنیم. نتیجه کاربست رهیافت مذکور در تحلیل احادیث حسن بن محبوب، پی‌بردن به زوایا و ابعاد جدیدی از جایگاه و شخصیت علمی وی، بازشناسی خلأها و چالش‌های علمی زمان او، شناخت جایگاه وی در انتقال خوانش ناب اهل بیت از آموزه مهدویت و نقد گفتمان‌های رایج زمانه وی خواهد بود.

شایان ذکر است تا کنون دو پژوهش درباره تحلیل گفتمان احادیث حسن بن محبوب نگاشته شده است: در پژوهش نخست (راد و عزیزی، ۱۳۹۹ الف: ص ۳۱-۵۰)، احادیث کلامی ابن محبوب با مطالعه موردی آموزه توحید مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفته و پژوهش دوم (همان ب: ص ۲۴-۵۲) به بررسی و تحلیل گفتمان احادیث تقیه حسن بن محبوب پرداخته است. با توجه به این‌که تاکنون پژوهشی درباره تحلیل گفتمان احادیث مهدویت حسن بن محبوب صورت نپذیرفته؛ پژوهش پیش‌رو، از حیث موضوع و کاربست روش تحلیل گفتمان در آن، دارای نوآوری است.



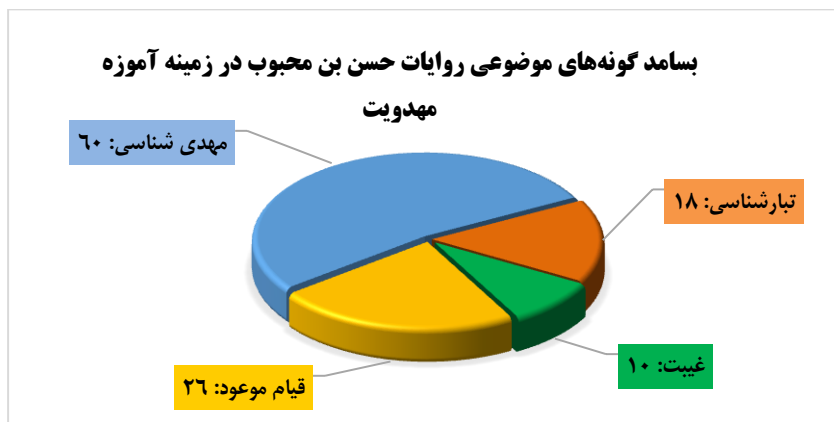
۱. فراوانی احادیث

نتایج جست‌وجو در منابع حدیثی متقدم، حاکی از آن است که در میان روایات حسن بن محبوب ۱۰۰ گزارش حدیثی به آموزه مهدویت مربوط است که با حذف احادیث تکراری، بسامد آن به ۵۳ روایت می‌رسد. پراکندگی احادیث ابن محبوب در منابع حدیثی متقدم به قرار ذیل است:



۲. گونه‌شناسی موضوعی روایات

براساس بررسی کنش‌های گفتاری موجود در احادیث ابن محبوب، قابل ذکر است که پنج موضوع در این احادیث بیش‌ترین کنش زبانی را به خود اختصاص داده‌اند که در نمودار ذیل قابل مشاهده است:



۳. گفتمان تبارشناسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

بر پایه گزارش‌های حدیثی موجود و شواهد متعدد تاریخی، یکی از مباحث مهم در موضوع مهدویت، که محل تضارب آرا گردید، «تبارشناسی» و «نسب‌شناسی» آن حضرت بود. پیدایش چنین اختلافاتی موجب شد درباره تبار و نسب آن حضرت چندین گفتمان در بستر فکری و اعتقادی جامعه مسلمان مطرح گردد:

۱-۳. گفتمان عباسی بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

نخستین گفتمان که باورمندان به آن را گستره‌ای از اهل سنت تشکیل می‌دادند، در صدر القای این پندار بوده که موعود از خاندان عباس، عموی پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم است. بررسی سلسله اسناد روایات این بخش، حاکی از آن است که کنش‌های حدیثی این گفتمان توسط برخی محدثان معاصر ابن محبوب، همچون خلف بن خلیفه (م ۱۸۱ق)، وکیع بن جراح (م ۱۹۶ق)، نعیم بن حماد (م ۲۲۸ق)، ابن عائشه (م ۲۲۸ق)، صله بن سلیمان (م ۲۳۰ق)، عبدالله بن سوار (م ۲۲۸ق) و محمد بن نوح (م اوایل قرن سوم)؛ در بوم‌های حدیثی کوفه، بصره، بغداد، واسط و مصر گزارش گردیده است. روایات بازتاب یافته توسط محدثان مذکور را در دو بخش می‌توان بررسی کرد: روایات بخش نخست همگی به این نکته دلالت و تصریح دارند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از نسل عباس است. بخش دوم روایاتی را شامل است که به صورت اجمالی به عباسی بودن تبار مهدی اشاره دارند (ر.ک: ابن حماد، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۷۳؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۳۷، ص ۷۰؛ سیوطی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۳۹۷؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۷۵، ج ۵۳، ص ۴۱۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۳ ص ۳۲۳ و ج ۴، ص ۱۱۷).

به نظر می‌رسد این دسته از روایات توسط مبلغان و دست‌نشانگان خلافت عباسی، به منظور ترویج و تثبیت پایه‌های حکومت و خلافت خود و استحکام بخشی به جایگاه و موقعیت اجتماعی خویش در بستر جامعه اسلامی وضع و جعل شده‌اند. بسیاری از اندیشمندان اهل سنت نیز به ضعف سلسله اسناد این روایات و جرح برخی راویان موجود در اسناد مذکور پرداخته‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۶۷۲؛ مناوی، ۱۳۵۸: ج ۶، ص ۲۷۸ و ذهبی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۶۳). البته باید توجه داشت که در عصر ابن محبوب، جعلی بودن این گفتمان روشن نبوده و



به عنوان خوانش رسمی از مهدویت در حال ترویج بوده است؛ اما با گذر زمان حدیث دانان عامه در نقد و ارزیابی این احادیث به ضعف آن‌ها پی بردند.

۲-۳. گفتمان حسنی بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دومین آوای متعارض زمانه ابن محبوب درباره تبارشناسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ در صدق القای پنداره حسنی بودن تبار آن حضرت است. کنش‌های زبانی بازتاب یافته توسط کنش‌گران این گفتمان را در برخی منابع حدیثی اهل سنت می‌توان مشاهده کرد. همچون احادیثی که هارون بن مغیره (م ۱۹۰ق)، ولید بن مسلم (م ۱۹۴ق) و نعیم بن حماد (م ۲۲۸ق) در بوم‌های حدیثی ری، شام و مصر بازتاب داده‌اند. بر پایه مفاد این احادیث، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام خواهد بود و با آمدنش زمین پر از عدل و داد خواهد شد (ر.ک: ابن حماد، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۷۴؛ ابوداود سجستانی، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۰۸؛ خطیب بغدادی، ۱۹۸۵: ج ۱، ص ۴۰۷ و تمام رازی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۶۲).

۳-۳. گفتمان تبارشناسی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث ابن محبوب

نتایج بررسی کنش‌های زبانی روایات ابن محبوب، حاکی از آن است که ۱۸ کنش زبانی در جهت ترویج گفتمانی است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خاندان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از نسل امام حسین علیه السلام معرفی می‌کند^۱. این کنش‌ها را در دو مولفه ذیل می‌توان بررسی و تحلیل کرد.

۱-۳-۳. ستیز با پنداره عباسی بودن تبار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ابن محبوب در ستیز با پنداره عباسی بودن تبار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روایاتی را گزارش کرده است که در سه بخش قابل رهگیری است: در بخش نخست بر این مطلب تاکید شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مهدی موعود را از تبار و ذریه خویش معرفی کرده است (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۷). روایات این بخش به روشنی با احادیثی در تعارض است که در آن‌ها پیامبر اکرم

۱. شایان ذکر است که تعداد قابل توجهی از محدثان و اندیشمندان اهل سنت بر این باورند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسین علیه السلام است (ر.ک: واردی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۲-۱۹۳).

خطاب به عباس، عموی خویش فرمودند: مهدی از نسل و صلب تو خواهد بود. بخش دوم روایات ابن محبوب حاوی کنش‌های زبانی است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان «قائم» از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت مطهر ایشان معرفی کند (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۴۹، ۳۵۰-۳۵۲ و ۳۹۹-۴۰۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۴۱-۶۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۷۱-۴۷۲ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۷). ابن محبوب در بخش سوم روایات خویش، گزاره‌هایی از حدیث را بازتاب می‌دهد که بر این نکته دلالت دارند که زمان آمدن و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی دولت حق، پس از بروز رخنه و اختلاف در میان حکام بنی عباس و زوال حکومت آنان است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۴۸۲، ۴۸۳، ۵۱۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۲ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۷۹). در این بخش از روایات، گرچه به صورت مستقیم به تبارشناسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته نشده است؛ با تحلیلی که از این روایات ارائه خواهیم کرد، چنین به دست می‌آید که مفاد این روایات نیز به صورت التزامی پنداره انتساب تبار و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خاندان بنی عباس مردود به شمار خواهد آمد. استدلال و تحلیل مذکور بدین قرار است:

- آمدن منجی، برپایی دولت حق و استقرار حکومت و فرمانروایی حضرت مهدی و اهل بیت علیهم السلام، به بروز اختلاف، سست شدن ارکان حکومت بنی عباس و فروپاشی آنان مشروط است.

- اگر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار و خاندان بنی عباس باشد، لازمه ظهور و برپایی حکومت جهانی او بقا و استمرار حکومت بنی عباس خواهد بود، نه برچیده شدن حکومت آنان.

در نتیجه انتساب نسب و تبار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بنی عباس نادرست و ناروا خواهد بود. نمودار تقابل کنش‌های زبانی گفتمان روایات ابن محبوب و گفتمان رقیب در جدول ذیل قابل مشاهده است.

ردیف	کنش‌های زبانی گفتمان روایات ابن محبوب	کنش‌های زبانی آوای معارض و گفتمان رقیب
۱	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> يقول: «المهدي من ولد العباس عمي»
۲	«الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»، «إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ»	يا عم النبي إن الله ابتدأ بي الإسلام و سيختمه بغلام من ولدك و هو الذي يتقدم لعيسى بن مريم



قال رسول الله: «ياعباس! إن الله فتح هذا الامر بى، و سيختمه بغلام من ولدك يملؤها عدلا كما ملئت جورا»	«وَكَذَلِكَ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ لَنْ يَظْهَرَ أَبَدًا حَتَّى تَظْهَرَ وَدَائِعُ اللَّهِ»	۳
«إِذَا رَأَيْتُمُ الرِّبَابَ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ، فَأَنْوَاهَا؛ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ»	«وَإِخْتِلَافُ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ»، «إِنَّ مُلْكَكُمْ قَبْلَ مُلْكِنَا وَ سُلْطَانَكُمْ قَبْلَ سُلْطَانِنَا»	۴

۳-۲-۳. ستیز با پنداره حسنی بودن تبار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بخش دیگری از روایات ابن محبوب که فراوانی آن به ۵ حدیث می‌رسد؛ به رویاری با آوای رقیبی پرداخته‌اند که در صدد ترویج گفتمان حسنی بودن تبار و نسب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. کنش‌های زبانی موجود در روایات ابن محبوب بر نکات ذیل دلالت دارند:

- مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسین علیه السلام و فرزندان ایشان است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۸ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۲).

- مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ذریه و فرزندان امام صادق علیه السلام است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۳۸).

- مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان دوازدهمین پیشوای امت، از ذریه و فرزندان امام کاظم علیه السلام است (همان، ص ۳۳۴-۳۳۵).

- مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام است (همان، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۷). نمودار تقابل کنش‌های زبانی گفتمان روایات ابن محبوب و گفتمان رقیب در جدول ذیل قابل مشاهده است:

ردیف	کنش‌های زبانی گفتمان روایات ابن محبوب	کنش‌های زبانی آوای متعارض و گفتمان رقیب
۱	«الْقَائِمُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ»، «عَنِّي بِذَلِكَ حُسَيْنًا وَ وُلْدَهُ فَإِنَّ الْحَقَّ فِيهِمْ وَ هُمْ الْأَوْصِيَاءُ وَ مِنْهُمْ الْأَيِّمَةُ»	نَظَرَ عَلَى إِلَيَّ اِبْنِ الْحَسَنِ، فَقَالَ: «إِنَّ اِبْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَاهُ النَّبِيُّ، وَ سَيُخْرَجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ يَسْمَى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ
۲	«يُخْرَجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ تَكْمِلَةً اِثْنَيْ عَشَرَ اِمَامًا مَهْدِيًّا»	سَمَّى النَّبِيُّ <small>ﷺ</small> الْحَسَنَ سَيِّدًا، وَ سَيُخْرَجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ اِسْمُهُ اَنْتُمْ نَبِيِّكُمْ، بِمِثْلِ الْاَرْضِ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا
۳	«السَّيِّعَةُ النَّالِثُ مِنْ وُلْدِي»، «المهدي من وُلدي»	«يُخْرَجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ حَسَنِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ لَوْ اسْتَقْبَلَ بِهِ الْجِبَالُ لَهَدَّهَا، فَلَا يُؤْخَذُ فِيهَا طَرِيقٌ»



۴. گفتمان مهدی شناسی

دومین آموزه‌ای که معرکه طرح آرا و گفتمان‌های معارض در زمانه حیات ابن محبوب و پیش از آن بوده، به اندیشه مهدی شناسی مربوط است. در اطراف این آموزه دو گفتمان با عنوان «مهدویت نوعی» و «مهدویت شخصی»^۱ در بافت فکری و اعتقادی جامعه مسلمان در قرن دوم و سوم هجری پدید آمد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

۴-۱. گفتمان مهدویت نوعی

در این گفتمان، وجود فردی خاص با نام «مهدی موعود» پذیرفته نشده و «مهدی» فردی است ناشناخته که از پیش معین نشده است (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷؛ امامی کاشانی، ۱۳۹۲ و یزدانی احمدآبادی، ۱۳۹۷: ص ۵۱۸). از جمله باورمندان به گفتمان مهدویت نوعی در قرن دوم هجری، پیروان مکتب زیدیه هستند. زیدیه از تعیین شخص مهدی خودداری کرده، به تولد ایشان در گذشته اعتقاد ندارند. از دیدگاه زیدیه، امام منتظر از فرزندان فاطمه علیها السلام است که در آخرالزمان به دنیا می‌آید و قیام خواهد کرد و وظیفه همگان است از هر سیدی که به خود دعوت کند، پیروی کنند؛ زیرا چه بسا او همان مهدی موعود باشد (ر.ک: یزدانی احمدآبادی، ۱۳۹۷: ص ۵۱۸ و فرمانیان، ۱۳۸۷: ص ۱۰۶).

همچنین از ظاهر روایات متعددی که در منابع روایی اهل سنت گزارش شده است، چنین به دست می‌آید که این احادیث به گونه‌ای دال بر مهدویت نوعی دارند و مفاد آن‌ها این نگره را بازتاب می‌دهد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه مردی است از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در آخرالزمان خواهد آمد. در این روایات پاره‌ای اوصاف برای مهدی بیان گردیده؛ اما از تعیین شخص او سخنی به میان نیامده است. همین مسئله موجب گردیده تا در قرون بعدی، گستره وسیعی از اندیشمندان اهل سنت به مهدویت نوعی قائل شوند (ر.ک: زینلی، ۱۳۸۴).

۴-۲. گفتمان مهدویت شخصی

«مهدویت شخصی»، گونه‌ای از گفتمان مهدویت است که در آن «فردی مشخص»، به عنوان

۱. دو عنوان مذکور برگرفته از این دو پژوهش است: زینلی، ۱۳۸۴ و یزدانی احمدآبادی، ۱۳۹۷.

مصدق شخصی که خصوصیات و ویژگی‌هایش به عنوان مهدی موعود در روایات بیان شده و مژده آمدنش داده شده است؛ قلمداد می‌گردد (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷؛ امامی کاشانی، ۱۳۹۲ و یزدانی احمدآبادی، ۱۳۹۷؛ ص ۵۱۶-۵۱۷). بیش‌ترین کنش‌گران گفتمانی در سده‌های نخستین، در صدد نقش آفرینی در این جبهه گفتمانی بوده و بیش‌تر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی، به ویژه شاخه‌های انحرافی درون شیعی، از جمله طرفداران این گفتمان بودند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۴-۲-۱. گفتمان «لا مهدی إلا عیسی»

نخستین گفتمان مهدویت شخصی را می‌توان با عنوان گفتمان «یکسان انگاری منجی و موعود با حضرت مسیح» نام گذاری کرد. کنش‌گران این گفتمان که گستره کوچکی از اهل سنت را شامل می‌شدند، بر این باور بودند که مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ همان عیسی بن مریم بوده که مژده ظهور و آمدنش داده شده است. ردپای چنین گفتمانی را در برخی گزارش‌های حدیثی موجود در تراث روایی اهل سنت، از محدثانی همچون شافعی (م ۲۰۴ق) و نعیم بن حماد می‌توان یافت (ر.ک: ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۳۴۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۴۸۸ و ابن حماد، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۷۴). گرچه شواهد متعددی بر وضع و جعل چنین احادیثی توسط برخی راویان موجود در سلسله اسناد این روایات وجود دارد (ر.ک: عمیدی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۶-۲۲۰)؛ آن‌چه در این میان برای ما حائز اهمیت است، بازتاب چنین روایاتی در زمان حیات ابن محبوب است که موجب پیدایش گفتمان مذکور گردیده است.

۴-۲-۲. گفتمان مهدی انگاری محمد بن حنفیه

یکی از فرقه‌های درون شیعی که در جبهه گفتمان مهدویت شخصی فعال بوده است و در صدد انطباق اوصاف حضرت مهدی بر مصداق آن برآمده؛ فرقه «کسیانیه» است. به زعم تاریخ پژوهان، در جامعه کسیانیان، نخستین بار عنوان «مهدی» بر محمد بن حنفیه انطباق داده شد. در برخی منابع تاریخی کهن نیز روایاتی وجود دارند که در آن‌ها سخن از مهدی انگاری محمد بن حنفیه از سوی دیگران به میان آمده است (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۷۰ و ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۴). گرچه پیدایش این فرقه در نیمه دوم سده نخست به وقوع



پیوسته؛ شواهد و قرائن تاریخی حاکی از آن است که این فرقه تا اواسط قرن سوم، در عراق، بالاخص کوفه و نواحی آن حضور داشته و فعال بودند؛ اما با گذر زمان رفته رفته منقرض شدند (ر.ک: قاضی، بی تا: ص ۱۴۷-۱۸۷؛ کشی، ۱۳۶۳: ص ۳۱۴-۳۱۶ و فرمانیان، ۱۳۸۷: ص ۳۸).

۳-۲-۴. گفتمان مهدویت امام صادق علیه السلام

پس از شهادت پیشوای ششم شیعیان، امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ق؛ در تعیین امام بعد از ایشان میان شیعیان اختلافاتی رخ داد. این ایام با آغاز حیات ابن محبوب (سال ۱۴۹ق) مقارن بود. پیدایش اختلاف در تعیین جانشین امام صادق علیه السلام، شکل‌گیری چندین فرقه را موجب گردید. یکی از این فرقه‌ها که به «ناووسیه» مشهور گردید، امام صادق علیه السلام را امام زنده و غایب از انظار می‌دانستند و ایشان را مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شمردند. آنان در این زمینه روایت کرده‌اند که امام فرموده است: «اگر کسی آمد به شما خبر داد که من جعفر صادق را غسل دادم و کفن کردم، او را تصدیق نکنید؛ زیرا فان صاحبکم صاحب السیف...» (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۱۰۰ و سبحانی، بی تا: ج ۷، ص ۱۸۸).

۴-۲-۴. گفتمان مهدویت اسماعیل و فرزندش

دیدگاه مکتب «اسماعیلیه» درباره مهدی موعود در قالب دو نظریه در جامعه آن دوران طرح گردید: عده‌ای اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام را موعود خود می‌دانستند و گروهی به مهدی بودن محمد بن اسماعیل بن جعفر اعتقاد داشتند. دسته اول، مرگ اسماعیل را انکار کردند و او را زنده و مهدی موعود خواندند. دسته دوم از اسماعیلیان به مهدی بودن محمد بن اسماعیل بن جعفر قائل شدند. آنان مرگ محمد بن اسماعیل را انکار کردند؛ مبتنی بر این باور که وی هنوز زنده است و در انتظار ظهورش، به عنوان قائم و مهدی باید بود (دفتری، ۱۳۸۶: ص ۱۶۲؛ فرمانیان، ۱۳۸۷: ص ۱۱۳ و صابری، ۱۳۸۳: ص ۱۱۰).

۵-۲-۴. گفتمان مهدویت امام کاظم علیه السلام

پس از شهادت امام کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ق، و همزمان با دوران حیات ابن محبوب، چندین گفتمان انحرافی درباره تطبیق عنوان «مهدی موعود» بر مصداق خارجی پدید آمد. گروهی به مهدویت و زنده بودن امام موسی کاظم علیه السلام قائل شدند و در تایید ادعای خویش به حدیثی

برساخته و منسوب به امام صادق علیه السلام استناد کردند (نوبختی، ۱۴۰۴: ص ۱۱۸). دسته‌ای دیگر به مهدویت و مرگ امام کاظم علیه السلام قائل شدند و معتقد بودند که آن حضرت پس از مرگ خود، قیام می‌کند. آنان می‌گفتند که پیشوای هفتم شیعیان، مهدی موعود است و از دنیا رفته و همچون حضرت عیسی است؛ با این تفاوت که عیسی بن مریم باز نگشت؛ اما او زمانی بازگشته و قیام می‌کند. تعدادی دیگری از شیعیان، شهادت امام کاظم علیه السلام را انکار کردند و به وقوف و درنگ درباره ایشان قائل شدند. آنان بر این باور بودند که خداوند ایشان را نزد خود به آسمان برده و در زمان قیامش او را باز می‌گرداند. این گروه که «واقفیه» یا «مطموره» نامیده شدند، همچون دیگر فرقه‌های انحرافی به مهدویت امام قائل شده و پس از ایشان چشم به راه امامی نبودند (همان، ص ۱۱۹).

۴-۲-۶. گفتمان حدیثی ابن محبوب (گفتمان امامیه):

«مهدی پیشوای دوازدهم شیعیان و همانم رسول خدا است».

بررسی گزاره‌های حدیثی نقل شده توسط ابن محبوب، حکایت از آن دارد که این احادیث حاوی ۶۰ کنش‌زبانی در مورد آموزه مهدی شناسی و معرفی شخص آن حضرت می‌باشد. کنش‌های زبانی مذکور، گویای آن است که بازتاب احادیث وی در رویارویی با گفتمان مهدویت نوعی و گفتمان‌های انحرافی مهدویت شخصی صورت پذیرفته است. این احادیث را می‌توان در قالب دو مولفه گفتمانی ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

الف) تعیین و معرفی شخص حضرت مهدی علیه السلام

بخش نخست احادیث ابن محبوب، درصدد معرفی دقیق حضرت مهدی و تبیین نام و نشان آن حضرت می‌باشد. در این احادیث، ابن محبوب به بازتاب گزاره‌های احادیثی پرداخته که در آن‌ها امامان معصوم علیهم السلام اطلاعات دقیقی را درباره حضرت مهدی علیه السلام و تعیین ایشان ارائه فرموده‌اند.

در نخستین گزارش، ابن محبوب نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام سوال شد: آیا حضرت قائم متولد شده است؟ امام در پاسخ فرمودند: «خیر، و اگر من او را درک می‌کردم، همه عمر به خدمتش می‌پرداختم» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۴۵). براساس روایت مذکور، دست کم سه گفتمان



انحرافی مهدویت شخصی باطل می‌شود؛ چرا که اولین گفتمان به مهدی انگاری محمد بن حنفیه مربوط بود که پیش از ولادت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ و قبل صدور حدیث ایجاد شده بود. از این-رو، با نفی تولد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیث، گفتمان مذکور به روشنی باطل تلقی می‌گردد. دومین گفتمان انحرافی مهدویت شخصی به مهدی انگاری امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مربوط بود. این گفتمان نیز با توجه به مفاد حدیث مردود است؛ چرا که اگر خود امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مهدی موعود بود، قطعاً در پاسخ به سوال راوی که آیا قائم متولد شده است؛ پاسخ مثبت می‌دادند. سومین گفتمان به مهدویت اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مربوط بود؛ نیز با توجه به مفاد این حدیث نفی می‌گردد؛ چرا که بر پایه شواهد موجود، زمان صدور این حدیث پس از ولادت اسماعیل (اوایل قرن دوم هجری) بوده و طبیعتاً سخن امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ با گفتمان مذکور در تعارض است؛ زیرا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به او خدمت نکرد (ر.ک: سامرای، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۲۸۸). در خصوص نفی گفتمان‌های انحرافی مهدی انگاری محمد فرزند اسماعیل و امام هفتم، اگر بپذیریم که زمان صدور حدیث، ایشان متولد شده بودند؛ می‌توان گفت که از این حدیث نفی دو گفتمان مذکور قابل برداشت است و اگر پیش از ولادت آن حضرت صادر گردیده باشد، نسبت به آن دو گفتمان ساکت است.

در دومین گزارش ابن محبوب، حضرت مهدی به عنوان «تَكْمِلَةَ اثْنِي عَشَرَ إِمَاماً مَهْدِيّاً» معرفی گردیده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۳۴-۳۳۵). این وصف علاوه بر این که پیشوایان الهی را به دوازده امام منحصر دانسته؛ مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ را به عنوان آخرین ایشان و تکمله امامان دوازده‌گانه معرفی کرده است. در نتیجه می‌توان چنین گفت که کنش زبانی مذکور علاوه بر نفی سه گفتمان مهدی انگاری محمد بن حنفیه، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ و فرزندشان اسماعیل، گفتمان مهدویت محمد بن اسماعیل و امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ را مردود دانسته و گفتمان مهدویت امام دوازدهم شیعیان را تبیین می‌کند.

در سومین روایت که ابن محبوب آن را از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ گزارش کرده است؛ حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ در قالب اوصاف «السَّبْعَةُ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي»، «سَمِيَّ جَدِّي»، «شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ»، «عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ» معرفی و وصف شده است (همان، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۷). چنین کنش‌های زبانی، با صراحت شخص آن حضرت را تعیین و ویژگی‌ها و



اوصاف ایشان را تبیین کرده است و گفتمان مهدویت شخصی امامیه را بازتاب داده است و دیگر گفتمان‌های برساخته را نفی می‌کند.

در چهارمین گزارش، ابن محبوب حدیثی را از رسول خدا ﷺ گزارش می‌کند، مبنی بر این که ایشان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را همانم و هم‌کنیه خویش عنوان کرده است (همان، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۷). از مفاد این حدیث نیز نفی گفتمان مهدویت امام صادق علیه السلام فرزند ایشان و مهدویت امام کاظم علیه السلام قابل برداشت است؛ چرا که این دو امام بزرگوار و اسماعیل، فرزند امام ششم، همانم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیستند.

با توجه به چهار گزارشی که در این بخش از ابن محبوب عنوان شد، چنین به دست می‌آید که این راوی به خوبی گفتمان‌های رایج زمان خویش را رصد می‌کرده و در رویارویی با آن‌ها به بازتاب احادیث اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. شایان ذکر است که لازمه بازتاب تمام احادیث ابن محبوب در این بخش و بخش پیشین، نفی گفتمان «لامهدی الا عیسی» نیز می‌باشد؛ چرا که این احادیث به تعیین و وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبارشناسی آن پرداخته و آن حضرت از نسل و تبار پیامبر و دیگر امامان شیعه و به عنوان دوازدهمین امام امت معرفی گردیده است.

ب) تبیین وقایع و رخدادهای پیش از ظهور، هنگام ظهور و پس از آن

بخش دوم احادیث ابن محبوب که حاوی ۵۶ کنش زبانی است، در صدد ترسیم فضای جامعه، هنگام ظهور، تبیین نشانه‌ها و علایم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، وقایع و رخدادهای پیش از ظهور و پس از آن می‌باشد. این احادیث را از دو جنبه و بعد می‌توان مورد تحلیل و گفتمان کاوی قرار داد: جنبه نخست آن به نیازمندی جامعه شیعی و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به آگاهی و اطلاع از چنین آموزه‌هایی ناظر است؛ چراکه از صدر اسلام، گفتمان مهدویت و مهدی‌شناسی توسط رسول خدا و دیگر ائمه در بستر فکری جامعه مسلمان تاسیس و نهادینه؛ اما رفته رفته توسط فرقه‌ها و مذاهب انحرافی مصادره شد و تعداد بسیاری از آنان، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از پیشوایان و رهبران خود دانستند. رخداد چنین شکاف‌ها و اختلافاتی موجب گردید رفته رفته جامعه مسلمان، با نوعی تحیر و سرگردانی در شناخت منجی و موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مواجه شود و این تحیر و سرگردانی در دوران حیات ابن محبوب به اوج خود رسید. از این رو، به



نظر می‌رسد ابن محبوب که یکی از استوانه‌های علمی مکتب امامیه در زمان خویش بوده است، می‌بایست در زمینه ابهام‌زدایی و آگاهی بخشی به جامعه شیعی، به بازنشر احادیثی از اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام می‌ورزید تا شیعیان از این تحیر و سرگردانی نجات یابند و آموزه‌های صحیح مکتب امامیه در بستر فکری و اعتقادی شیعیان زمانه خود و پس از آن تزیق شود. لذا نخستین جنبه کنش‌گری گفتمانی ابن محبوب را می‌توان در جهت نیازمندی شیعیان به شناخت دیدگاه مکتب اهل بیت نسبت به آموزه مهدویت و رخدادهای دوران ظهور منجی و پس از آن دانست. جنبه دوم تحلیل انعکاس احادیث مذکور توسط ابن محبوب را می‌توان به رویارویی وی با آوای متعارض زمانه خویش ناظر دانست که در صدد تبیین نادرست و نابجایی از گفتمان مهدی‌شناسی بوده و کنش‌گران آن‌ها به نشر احادیث سقیم و جعلی در تایید مدعای خویش می‌پرداختند.

با توجه به حجم انبوه کنش‌های زبانی^۱ روایات ابن محبوب، در این بخش به ذکر برخی از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

کنش‌های زبانی موجود در احادیث ابن محبوب	
تربیم فضای عصر ظهور حضرت مهدی <small>عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف</small>	تبیین شرایط و نشانه‌های پیش از ظهور
مالکیت امام زمان بر تمام زمین	هراس و ترس از حکمرانان ستمگر و افزایش مرگ و میر
غلبه بر تمام ادیان	گرسنگی به واسطه گرانی قیمت‌ها
ولایت و رهبری جهانی حضرت مهدی <small>عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف</small>	کاستی در کسب و کار و اموال و دارایی مردم
به همراه داشتن عصای حضرت موسی و تابوت حضرت آدم	اغتشاشات در روم
داشتن وصیت نامه‌ای از رسول خدا <small>صلی‌الله‌تعالی علیه‌السلام و آله‌الطهارت</small>	ویرانی سرزمین شام و ظهور سه پرچم در آن دیار

۵. گفتمان غیبت

مسئله «غیبت» منجی در بازه زمانی قرن دوم و سوم هجری، در بین اکثر فرقه‌های اسلامی که

۱. مجموع کنش‌های زبانی (رک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۴۱۳-۴۲۱، ۳۵۰-۳۵۲؛ ج ۱۵، ص ۳۹۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۳۵، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۷۸-۴۷۹ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۸، ۲۰۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۶۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۳۳۲).

به آموزه مهدویت توجه داشتند، به گونه‌های مختلفی مطرح بود. در بررسی روند تاریخی غیبت‌پنداری میان مسلمانان، سه گفتمان در مورد این مسئله قابل مشاهده و ره‌گیری است.

۱-۵. گفتمان غیبت مهدی پیش از تولد

در این نوع غیبت طرفداران، اندیشه مهدویت چنین باور دارند که نه شخصی به عنوان مهدی متولد شده و نه قیام کرده است؛ بلکه غیبت به دلیل عدم تولد موعود آخر الزمانی محقق شده و تا زمان ظهور او که با تولد منجی همراه است، ادامه خواهد یافت. این دیدگاه در میان اهل سنت، طرفدار دارد (ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۷: ج ۲، ص ۴۸۲).

۲-۵. گفتمان غیبت مهدی پس از تولد

کنشگران گفتمان غیبت مهدی پس از تولد، در صدد ترویج اندیشه تحقق غیبت پس از تولد منجی و موعود بوده و بر همین اساس خود در دو جبهه گفتمانی ذیل فعالیت کردند.

۱-۲-۵. گفتمان غیبت مهدی پیش از قیام

اندیشه غیبت در این گفتمان، به زمانی مربوط است که کنشگران آن، براساس احادیث و گزارش‌های فرقه‌ای به این باور فکری و اعتقادی رسیده‌اند که مهدی موعود پس از غیبتی طولانی ظهور خواهد کرد. از این‌رو، این نوع غیبت همزمان با تولد یا مدتی پس از آن محقق می‌گردد. این‌گونه از اندیشه غیبت، یکی از اندیشه‌های شیعه‌بنیان و مختص شیعیان اثناعشری است (یزدانی، ۱۳۹۷: ص ۵۲۲-۵۲۳).

۲-۲-۵. گفتمان غیبت مهدی پس از قیام

اندیشه غیبت در این بخش، به زمانی ناظر است که فرد یا افرادی بدون آن که ادعای مهدویت داشته باشند، قیام کرده و پس از قیام، طرفداران و پیروان آن‌ها به غیبت رهبران خود قائل شده‌اند. یعنی در خصوص این دسته از افراد، در ابتدا هیچ‌گونه غیبت‌پنداری مطرح نبوده و این آمیزه تنها پس از شکست قیام یا کشته شدن رهبر یک جریان مطرح شده است. از جمله این افراد می‌توان به محمد بن حنفیه رهبر معنوی فرقه کیسانیه، زید بن علی بن حسین رهبر زیدیان و نفس زکیه، اسماعیل فرزند امام صادق و پسر او محمد بن اسماعیل اشاره کرد.



همچنین ادعاهای فرقه‌های انحرافی پس از شهادت امام صادق و امام کاظم علیهما السلام، همچون ناووسیه و واقفیه در مورد آن دو امام در همین عرصه پدیدار گشت (اشعری، ۱۳۶۰: ص ۱۴۸-۱۵۰ و یزدانی ۱۳۹۷: ص ۵۲۱-۵۲۲).

۳-۵. گفتمان حدیثی ابن محبوب: گفتمان غیبت مهدی پیش از قیام

کنش‌های زبانی موجود در روایات حسن بن محبوب، در زمینه آموزه غیبت که فراوانی آن‌ها به ۱۰ مورد می‌رسد؛ گفتمان اختصاصی و شیعه بنیان «غیبت مهدی پیش از قیام» را بازتاب می‌دهند که در سه بخش قابل بررسی و تحلیل‌اند: برپایه بخش نخست، وجود امام و حجت‌الاهی در هر دوره و زمان امری ضروری است و طراحی آفرینش الاهی به گونه‌ای صورت پذیرفته که وجود امام و حجت‌الاهی برای بقای هستی و حصول امر هدایت و رهبری مردم لازم و اجتناب ناپذیر است (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۰؛ کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۴۳۲ و ج ۲، ص ۱۵۵-۱۵۷). بر پایه بخش دوم، احادیث ابن محبوب، حجت‌های الاهی و امامان دوازده‌گانه معصوم؛ همگی از سوی خداوند متعال منصوب و توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مردم معرفی گردیده که آخرین امام و پیشوای دوازدهم از سلاله پاک رسول خدا و از نسل امامان پیشین به عنوان موعود، منجی و مهدی امت دانسته شده است (ر.ک: کلینی، همان: ج ۲، ص ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۱۳-۴۲۱؛ ج ۱۵، ص ۲۷۵-۲۸۹، ۷۵۰ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۶۹). با ملاحظه این دو بخش از احادیث ابن محبوب، در کنار احادیث بخش سوم که به صورت مستقیم به مبحث غیبت پرداخته (و در ادامه به مولفه‌های گفتمانی آن‌ها اشاره کنیم) چنین به دست می‌آید که پیشوای دوازدهم شیعیان، پس از تولد و فرارسیدن دوران امامت و رهبری‌اش، دارای دو غیبت بوده و پس از به پایان رسیدن این دوران و با تحقق نشانه‌های مشخص شده، ظهور و قیام می‌کند. مولفه‌های گفتمانی این احادیث به قرار ذیل است:

الف) تبیین اصل وجود غیبت و چرایی آن

چهار حدیث از احادیثی که ابن محبوب در بخش آموزه غیبت گزارش کرده، حاوی کنش‌های زبانی‌اند و به بازتاب اندیشه قطعیت در تحقق امر غیبت و تبیین چرایی آن پرداخته‌اند. این چهار حدیث، از یک سو از رخداد و تحقق دوران غیبت برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آینده خبر داده‌اند و از



سوی دیگر، به عامل و سبب رخداد چنین دورانی پرداخته‌اند. مفاد روایات ابن محبوب در این بخش بر نکات ذیل دلالت دارد:

۱. حضرت مهدی همچون یوسف عَلَيْهِ السَّلَام دارای دوران غیبت است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۳).
 ۲. برای مهدی دوران غیبت و حیرتی خواهد بود تا آن جا که مردم از آیین‌شان گمراه می‌شوند و آن‌گاه آن حضرت مانند شهاب ثاقب پیش می‌آید و زمین را از عدل و داد پُر می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۷).
 ۳. مشاهده حضرت در دوران غیبت و تشخیص ایشان برای عموم مردم ممکن نیست (همان، ج ۲، ص ۳۳۸).
 ۴. رخداد غیبت در واقع یک راهبرد امنیتی و محافظتی در جهت حراست از جان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و کشته نشدن ایشان است (همان، ج ۱، ص ۴۸۱).
- شایان ذکر است که در جهت همین راهبرد حراستی، ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در احادیث متعددی، از عدم جواز تسمیه حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در دوران پیش از تولد آن حضرت سخن به میان آورده و شیعیان را از ذکر نام حقیقی ایشان نهی کرده‌اند. ابن محبوب در زمینه بازتاب همین استراتژی و راهبرد امنیتی-محافظتی، به نقل دو حدیث پرداخته است (همان، ص ۳۳۸ و کلینی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۱۳۷).

ب) انواع غیبت

بخش دوم احادیث ابن محبوب در زمینه آموزه غیبت موعود که شامل دو گزاره حدیثی می‌گردد؛ در صدد بازتاب این نگره است که برای آن حضرت دو غیبت در آینده رخ خواهد داد: یکی کوتاه است و دیگری طولانی مدت. در غیبت نخست، جز شیعیان خاص آن حضرت کسی از مکان ایشان اطلاعی ندارد و در غیبت دوم تنها موالی خاص آن حضرت، از مکان ایشان خبر دارند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۱۶۰ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۲-۱۷۳).

ابن محبوب با گزارش این دو حدیث، از کم و کیف غیبت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام سخن به میان آورده و چگونگی ارتباط شیعیان با ایشان را در دوران غیبت بیان کرده است. بازتاب این دو حدیث را نیز می‌توان به عنوان کنشی دیگر از ابن محبوب در تبیین آموزه غیبت و تشریح ابعاد



آن، و بازتاب اندیشه و گفتمان اختصاصی امامیه دانست.

ج) راهنمایی‌های لازم برای دوران غیبت

سه حدیث از احادیث ابن محبوب در زمینه آموزه غیبت، به بیان راهنمایی و ارشاداتی از امام صادق علیه السلام به شیعیان برای دوران سخت و دشوار غیبت و تحیر و سرگردانی آنان ناظر است. رهیافت اساسی که در این احادیث به بیان آن پرداخته شده است؛ تمسک شیعیان به آن چه از پیش می‌دانسته و بردباری تا زمان روشن شدن حقیقت است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۴۸). همچنین انتظار فرج و خواندن دعای غریق از دیگر توصیه‌های پیشوای ششم شیعیان به رهروان خویش است (همان، ص ۳۳۹ و ۳۴۸-۳۴۹). این بخش از احادیث ابن محبوب بیش‌تر با نیازمندی پیروان مکتب اهل بیت در دوران غیبت متناظر است و گویای دوراندیشی این مکتب نسبت به نسل‌های بعدی شیعیان می‌باشد.

۶. گفتمان قیام و قائم به سیف (رویارویی با گفتمان قیام زیدیه)

یکی دیگر از گفتمان‌های برآمده از احادیث ابن محبوب را می‌توان به گفتمان قیام و قائم ناظر دانست. کاربرست پرتکرار واژه «قائم» در وصف و نام بردن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که فراوانی آن در احادیث ابن محبوب به ۲۶ مورد می‌رسد؛ گویای طرح گفتمان قائم و قیام در بستر فکری و اعتقادی زمانه وی است. انتساب نگره قیام به آن حضرت در قالب افعالی همچون «قام» و «يقوم» که در ۵ مورد قابل پی‌جویی است نیز، گواه دیگری بر طرح گفتمان مذکور است. در کنار موارد ذکر شده، در چهار گزارش از احادیث ابن محبوب نیز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر بیان گردیده و وقوع قیام را توأم با «سیف»^۱ ذکر کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۴۹-۳۵۰؛ ج ۳، ص ۱۵۵-۵۱۶؛ صدوق، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۱۸ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۳).

از سوی دیگر، برخی شواهد تاریخی بر فعال بودن گفتمان مذکور در قرن دوم و زمان حیات ابن محبوب و پیش از آن دلالت دارند. اندیشه قیام و مبارزه مسلحانه علیه حکومت فاسد و ستمگر، یکی از پایه‌های مذهب زیدیه و از جمله باورهای بنیادین این گروه بود و یکی از شروط

۱. در این باره ر.ک: راد، ۱۳۹۳: ج ۹، ص ۹۲-۱۱۷.

صلاحیت امام نزد پیروان و رهبران فکری این فرقه، دعوت علنی امام به خویشتن و جهاد مسلحانه و قیام با شمشیر برای جنگ با ظالمان عنوان شده است (ر.ک: شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۵۶ و اکوع، ۱۴۱۸: ص ۱۶). شواهد تاریخی دیگری نیز وجود دارند، حاکی از آن که شکل گیری باورها و اندیشه‌های زیدیه در شهر کوفه صورت پذیرفته و مقارن یا همزمان با حیات ابن محبوب، تعدادی از بزرگان این مذهب در آن شهر حضور داشته و فعالیت می‌کردند (ر.ک: خوبی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۳۶۱-۳۶۴؛ ج ۲۱، ص ۷۷ و رحمان ستایش، و فرجامی، ۱۳۹۰: ص ۵۸). همچنین اوج گیری جنبش‌های مسلحانه گروه‌های مختلف در دوران حیات ابن محبوب و قیام آنان علیه دستگاه حاکم، گویای این بود که نگره قیام و جهاد مسلحانه در آن زمان، به صورت جدی کنش‌گران و طرفدارانی داشته و توسط گروه‌ها و گرایش‌های مختلفی که گستره قابل توجهی از ایشان را زیدیان تشکیل می‌دادند؛ در بافت فکری جامعه ترویج می‌گشت؛ خصوصاً آن که خاستگاه تعداد قابل توجهی از این قیام‌ها و جنبش‌های مسلحانه در قرن دوم هجری، شهر کوفه و زیستگاه ابن محبوب بود (ر.ک: شامی، ۱۳۶۷: ص ۸۲، ۱۵۳، ۱۶۹-۱۷۶). از این رو، پژواک احادیثی که حاوی کنش‌های پرتکرار زبانی همچون «قیام»، «قائم» و «قیام بالسیف» است؛ توسط ابن محبوب نشان دهنده آن است که وی از یک سو در صدد بازتاب و ترویج گفتمانی است که اندیشه قیام و جهاد مسلحانه علیه ظلم و ستم را از مختصات موعود و آخرین امام شیعیان می‌داند؛ و از سوی دیگر، به نوعی در صدد اصلاح نگره‌ها و پندارهای ناصوابی است که در باب قیام امامان مطرح گشته بود و به عنوان ایدئولوژی مکتب زیدیه در بافت فکری آن دوران ترویج می‌گشت.

افزون بر مطالب پیشین، شایسته است این نکته را متذکر شویم که تقاضای قیام از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام توسط شیعیان، به ویژه در قرن دوم هجری یکی دیگر از جمله موضوعاتی است که گویای رونق و اوج‌گیری گفتمان قیام در آن دوران و انتظار شیعیان برای ظهور منجی است. همچنین پرسش‌های مکرری که شیعیان درباره قائم بودن ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام طرح می‌کردند، نشان می‌دهد که گرچه آنان از مشخصات و ویژگی‌های امام قائم عَلَيْهِمُ السَّلَام و وَعَلَيْهِمُ السَّلَام شناختی کامل و تعریف دقیقی نداشتند؛ در انتظار فرارسیدن ظهور قائم عَلَيْهِمُ السَّلَام و وَعَلَيْهِمُ السَّلَام بوده و با نگره انتظار قائم، به خوبی آشنا بودند. از پاسخ‌هایی که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به شیعیان در مواجهه با این مسئله می‌دادند نیز به خوبی پیداست که

ایشان نگره «قیام» را مختص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته و خود را به عنوان امام منتظر نمی‌دانستند. البته آن چه جای تأمل و دقت بیش‌تری دارد، آن است که در برخی از نقل‌ها، ائمه علیهم‌السلام خویشتن را به عنوان «قائم» معرفی کرده‌اند. بازتاب این مسئله در بین احادیث ابن محبوب نیز قابل مشاهده است؛ چنان‌که وی در حدیثی که از جابر بن یزید جعفی نقل کرده؛ چنین آمده است:

از امام باقر علیه‌السلام درباره قائم سؤال شد؛ حضرت دست خود را به امام صادق علیه‌السلام زد و فرمود: «به خدا سوگند که این قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.» عنبسه می‌گوید: چون امام باقر علیه‌السلام وفات کرد، خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم و این خبر را به ایشان دادم. آن حضرت فرمود: «جابر راست گفته است.» سپس فرمود: «گویا شما نمی‌دانید که هر امام بعد از امام پیشین قائم است!» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۶۰-۶۱).

با اندکی بررسی احادیثی از این قبیل، چنین به دست می‌آید که واژه «قائم» در لسان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام دارای گستره مفهومی خاصی بوده و بر دو مسئله دلالت دارد: نخست این‌که این واژه دارای بار معنایی «برپادارنده امر امامت و قیام‌کننده به امر امامت» بوده و در مواردی که بر امامی غیر از پیشوای دوازدهم شیعیان اطلاق می‌شده است؛ همین معنا مراد بوده و بر مهدویت ایشان هیچ دلالتی نداشته است. مسئله دوم این‌که در صورتی که این واژه برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار برده شود، علاوه بر این‌که بر معنای پیشین دلالت دارد؛ به مساله قیام و جهاد مسلحانه ایشان ناظر بوده و به موضوع مبارزه جهانی آن حضرت با ظلم و ستم در دوران ظهور اشاره دارد. از این‌رو، در برخی گزارش‌ها به واژه «السیف» نیز مقید گردیده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۵۳۶). ممکن است یکی از حکمت‌های این گونه پاسخ‌ها که از یک سو قائم بودن هریک از ائمه را تأیید و از سوی دیگر قائم موعود را فرد دیگری معرفی می‌کنند؛ زنده نگه داشتن مسئله انتظار فرج و اهمیت آن در رشد جامعه شیعی بوده است؛ تا شیعیان به سبب دوری عصر ظهور منجی گرفتار یأس و رکود نشوند. البته نقش عوامل دیگر، مانند اوضاع دشوار سیاسی برای امامان اهل بیت علیهم‌السلام را نباید نادیده گرفت که مانع از بیان و تبلیغ آزادانه معارف شیعی می‌شد (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۹: ص ۵-۳۴).



نتیجه‌گیری

نتایج بررسی احادیث ابن محبوب در زمینه آموزه مهدویت، حاکی از آن است که این روایات در بردارنده کنش‌های زبانی متنوعی هستند که در چهار محور گفتمانی بازتاب یافته‌اند. ابن محبوب در گام نخست با بازتاب روایاتی که حاوی ۱۸ کنش زبانی است، به ستیز با دو گفتمان رقیبی پرداخته که در صدد ترویج نگره عباسی بودن و حسنی بودن تبار و نسب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند. وی در گام دوم، با بازتاب روایاتی که در بردارنده ۶ کنش زبانی است، دو گفتمان «مهدویت نوعی» و «مهدویت شخصی» انحرافی را نقد و ابطال کرده و گفتمان اختصاصی شیعه بنیانی را ترویج داده است؛ گفتمانی که بر این نکته دلالت دارد که مهدی همان پیشوای دوازدهم شیعیان است. حسن بن محبوب در سومین گام، با انعکاس روایاتی که حاوی ۱۰ کنش زبانی است، اندیشه صحیح غیبت را در قالب گفتمان غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از تولد بازتاب داده و به رویارویی با دو گفتمان رقیبی پرداخته است که به دنبال تثبیت پنداره غیبت پیش از تولد و غیبت پس از قیام بودند. این راوی جلیل القدر در گام چهارم، با بازتاب ۲۶ کنش زبانی در زمینه آموزه قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقد گفتمان قیام مسلحانه زیدیه و دیگر جنبش‌های جهادی و مدعیان مهدویت توجه داشته و گفتمان حدیثی خود را در قالب این نظریه ترویج داده است: «همه امامان قائم و برپادارنده به امر خدا (امامت) بوده و تنها مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای قیام مسلحانه و با شمشیر است».

با توجه به یافته‌های مذکور چنین به دست می‌آید که حسن بن محبوب به عنوان یکی از کنش‌گران گفتمانی مکتب اهل بیت علیهم السلام، آوای متعارض زمان خویش در زمینه آموزه مهدویت را به خوبی رصد می‌کرده و در مواجهه و مقابله با اندیشه‌های انحرافی برآمده از گفتمان‌های رایج آنان، احادیث خویش را با هدفمندی خاصی گزارش کرده است.



منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۸۶ق). *الموضوعات*، محقق: عبدالرحمن محمد عثمان، المدينة المنورة، المكتبة السلفية.
۲. ابن حجرهیشمی، احمد بن محمد (۱۹۹۷م). *الصواعق المحرقة*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳. ابن حماد، نعيم (۱۴۱۲ق). *كتاب الفتن*، قاهره، مكتبة التوحيد.
۴. ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱ق). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، محقق: شعيب الأرنؤوط و دیگران، بیروت، مؤسسة الرساله.
۵. ابن سعد، محمد (۱۴۱۵ق). *طبقات الكبرى (طبقات ابن سعد)*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق). *تاریخ دمشق*، دمشق، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۷. ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا). *السنن*، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دار إحياء الكتب العربية.
۸. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی تا). *سنن أبی داود*، بیروت، المكتبة العصرية.
۹. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰). *المقالات والفرق*، محقق: محمدجواد مشکور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. اکوع، قاضی اسماعیل بن علی (۱۴۱۸ق). *الزیدیة نشاتها و معتقداتها*، دارالفکر، دمشق.
۱۱. امامی کاشانی، محمد (۱۳۹۲). *خط امان در ولایت صاحب الزمان عجل الله فرجه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. امین، سید محسن (۱۴۰۶ق). *أعیان الشیعة*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۱۳. برقی، احمد بن ابی عبدالله (۱۳۸۳ق). *رجال البرقی*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. بشیر، حسن (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان دریچه ای برای کشف ناگفته ها*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۵. تمام رازی، ابوالقاسم تمام بن محمد (۱۴۱۲ق). *الفوائد*، محقق: حمدی عبدالمجید السلفی، مكتبة الرشد، ریاض.
۱۶. تودوروف، تزوتان (۱۳۹۱). *منطق گفتگویی میخاییل باختین*، مترجم: داریوش کریمی، تهران، مرکز.
۱۷. تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۸ق). *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، قم، اسماعیلیان.
۱۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *رجال علامه حلی (خلاصه)*، قم، دار الذخائر.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العربی.

۲۱. _____ (۱۹۸۵م). **تلخیص المتشابه فی الرسم**، دمشق، طلاس للدراسات والترجمة والنشر.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). **معجم رجال الحديث**، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
۲۳. دفتری، فرهاد (۱۳۸۶). **تاریخ و عقاید اسماعیلیه**، تهران، نشر فروزان.
۲۴. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۵ق). **سیر اعلام النبلاء**، محقق: شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۲۵. _____ (۱۳۸۲ق). **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر.
۲۶. راد، علی (۱۳۹۳). **تحلیلی بر احادیث کشتار در قیام امام مهدی علیه السلام**، دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۹، ص ۹۲-۱۱۷.
۲۷. راد، علی و عزیز، سعید (بهار ۱۳۹۹ الف). **تحلیل گفتمان کلامی ابن محبوب؛ مطالعه موردی آموزه توحید**، تحقیقات کلامی، سال هشتم، شماره ۲۸، ص ۳۱-۵۰.
۲۸. _____ (تابستان ۱۳۹۹ ب). **تحلیل گفتمان احادیث تقیه حسن بن محبوب**، مشکات، سال ۳۹، شماره ۱۴۷، ص ۲۴-۵۲.
۲۹. رحمان ستایش، محمد کاظم و فرجانی، اعظم (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). **واکاوی مذهب و روایات حسن بن صالح در کتب امامیه**، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱، ص ۵۳-۸۶.
۳۰. زینلی، غلامحسین (بهار و تابستان ۱۳۸۴). **مهدویت و مذاهب اسلامی (مشترکات و تفاوتها)**، انتظار موعود، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۳۳۷-۳۵۴.
۳۱. سامرایی، عبدالله سلوم (۱۳۹۲ق). **الغلو والفرق الغالیة فی الاسلام**، بغداد، بی نا.
۳۲. سبحانی، جعفر (بی تا). **بحوث فی الملل والنحل**، قم، مؤسسة النشر الإسلامی - مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
۳۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۷ق). **اللاکلیء المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه**، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۴. _____ (۱۴۲۹ق). **الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر**، بیروت، دارالفکر.
۳۵. شامی، فضیلت (۱۳۶۷). **تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری**، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
۳۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴). **الملل والنحل**، قم، انتشارات الشریف الرضی.
۳۷. صابری، حسین (۱۳۸۳). **تاریخ فرق اسلامی، فرقه شیعی و فرقه های منسوب به شیعه**، تهران، سمت.
۳۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۷). **گفتمان مهدویت**، قم، مسجد مقدس جمکران.
۳۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۲). **عیون أخبار الرضا (ع)**، تهران، نشر صدوق.
۴۰. _____ (۱۳۹۵ق). **کمال الدین و تمام النعمة**، محقق: علی اکبر غفاری، تهران،

اسلاميه.

۴۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الفهرست*، نجف، المكتبة المرتضوية.
۴۲. _____ (۱۴۱۱ق). *الغیبة للطوسی*، قم، دارالمعارف الإسلامية.
۴۳. عمیدی، ثامر هاشم حبیب (۱۳۸۷). *در انتظار ققنوس، کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری*، مترجم: مهدی علیزاده، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۴. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). *آشنایی با فرق تشیع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۴۵. قاضی، وداد (بی تا). *الکیسانیة فی التاریخ والأدب*، بیروت، دارالثقافه.
۴۶. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). *رجال الکشی*، محقق: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*، قم، دارالحديث.
۴۸. مک دانل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، مترجم: حسینعلی نوزدی، تهران، فرهنگ گفتمان.
۴۹. مناوی، زین الدین محمد (۱۳۵۸ق). *فیض القدير شرح جامع الصغیر*، مصر، المكتبة التجارية الكبرى.
۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة للنعمانی*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۵۱. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق). *فرق الشیعه*، بیروت، دارالأضواء.
۵۲. واردی، سید تقی (بهار ۱۳۹۷). «نسب شناسی تحلیلی امام مهدی از منظر فریقین»، مشرق موعود، شماره ۴۵/۱، ص ۱۶۷-۲۰۶.
۵۳. هاشمی، سید علی (زمستان ۱۳۸۹). «شیعیان عصر حضور امامان و موضوع مهدویت»، فصلنامه معرفت کلامی، سال اول، شماره ۴، ص ۳۴-۵.
۵۴. یزدانی احمدآبادی، علی (۱۳۹۷). «درآمدی بر جوهره چیستی و جرایب مهدویت در زبیده»، مشرق موعود، شماره ۴۵/۲، ص ۵۱۳-۵۲۸.
۵۵. یورگنسن، ماریا و فیلیپس، لوتیز (۱۳۹۲). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، مترجم: هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

